



خطبه‌های نماز جمعه تهران





خطبه‌های نماز جمعه تهران

خطبه اول:

بسم الله الرحمن الرحيم^(۱)

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا
 ابي القاسم المصطفى محمد وعلى آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين
 سيما بقيّة الله في الارضين. اللهم اني احمدك واستعينك واستغفرک و
 اتوكل عليك. والسلام على ائمة المسلمين وحماة المستضعفين وهداة
 المؤمنين. قال الله تعالى: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ
 يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.^(۲)

توصیه به رعایت تقوای الهی

همه‌ی برادران و خواهران عزیز را و خود را دعوت میکنم و توصیه
 میکنم به رعایت تقوای الهی. در گفتارمان، در کردارمان مراقب باشیم از
 حدود الهی خارج نشویم؛ معنای تقوا این است.

عزت و حکمت الهی برای مسلمانان در صورت اتحاد و اتفاق

در این آیه‌ای که تلاوت کردم، مسئله‌ی مهم پیوستگی مؤمنین
 با یکدیگر مطرح شده است که در تعبیرات قرآنی به این پیوند و این
 پیوستگی گفته میشود «ولایت»؛ ولایت مؤمنین با یکدیگر. این
 مطلب در چند آیه‌ی از قرآن آمده است. در این آیه نتیجه‌ی این ولایت و
 همبستگی را رحمت الهی معرفی میکند: أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ؛ یعنی
 اگر شما مسلمانان با یکدیگر پیوند و ارتباط و همکاری و همدلی داشته
 باشید، رحمت خداوند شامل حال شما میشود. بعد میفرماید: إِنَّ اللَّهَ
 عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ آیه‌ی شریفه را با ذکر عزّت الهی و حکمت الهی پایان میدهد؛
 شاید از این جهت که رحمت الهی در این مورد متناسب است با عزّت
 پروردگار و حکمت پروردگار؛ چون رحمت خداوند، انواع فضائل نازله‌ی از



سوی پروردگار بر بندگان را شامل میشود؛ همه‌ی نعمتها، همه‌ی لطفها، همه‌ی حوادث زندگی رحمت الهی است؛ لکن در این آیه‌ی شریفه، این رحمت متناسب است با «عزّت» و «حکمت». عزّت الهی یعنی سیطره‌ی قدرت پروردگار بر همه‌ی عالم وجود؛ حکمت الهی یعنی استحکام و استواری همه‌ی قوانین آفرینش. شاید در این آیه خواسته‌اند ما را به این معنا توجّه بدهند که اگر مسلمانها با یکدیگر اتحاد و اتفاق داشته باشند، عزّت الهی و حکمت الهی پشت سر اینها است؛ میتوانند از قدرت بی‌پایان الهی استفاده کنند، میتوانند از مقتضای سنّت‌های پروردگار و قوانین الهی استفاده کنند.

❖ ولایت و همبستگی؛ سیاست قرآن برای مسلمانان

خب، این ولایت یعنی چه؟ یعنی پیوند و همبستگی مسلمانان با یکدیگر؛ این شد سیاست قرآنی برای مسلمانها. سیاست قرآن برای مسلمانها این است که ملّتهای مسلمان، گروه‌های مسلمان، با یکدیگر همبستگی داشته باشند و کأَنّهم وعده میدهند که اگر شما ملّتهای مسلمان این همبستگی را با هم داشته باشید، این، موجب آن است که عزّت خداوند پشت سر شما است؛ یعنی بر همه‌ی موانع غلبه پیدا میکنید، بر همه‌ی دشمنان پیروز میشوید؛ حکمت الهی پشتیبان شما است؛ یعنی همه‌ی قوانین آفرینش در جهت پیشرفت شما به کار خواهد افتاد؛ این، منطق قرآن و سیاست قرآن است.

❖ تفرقه و جدایی؛ سیاست دشمنان برای مسلمانان

نقطه‌ی مقابل این سیاست، سیاست دشمنان اسلام است؛ یعنی مستکبران و متجاوزان عالم. سیاست آنها «تفرقه بینداز و حکومت کن» است؛ مبنای کار آنها تفرقه افکنی است. این سیاست تفرقه افکنی را در کشورهای اسلامی با انواع ترفندها تا امروز اجرا کرده‌اند، هنوز هم دست بردار نیستند و موجب میشوند که دل‌های ملّتهای اسلامی نسبت به



هم مکدر بشود؛ اما امروز ملت‌ها بیدار شده‌اند. امروز روزی است که امت اسلامی میتواند برای ترفند دشمنان اسلام و مسلمین فائق بیاید.

✦ **اتاق فرمان واحد برای اجرای سیاست‌های مختلف دشمنان**

من عرض میکنم دشمن ملت ایران همان دشمن ملت فلسطین است، همان دشمن ملت لبنان است، همان دشمن ملت عراق است، همان دشمن ملت مصر است، دشمن ملت سوریه است، دشمن ملت یمن است؛ دشمن یکی است، شیوه‌های دشمن در کشورهای مختلف، مختلف است. یک جا با جنگ روانی، یک جا با فشار اقتصادی، یک جا با بمب‌های دو تئیی، یک جا با سلاح، یک جا با لبخند، دارند دشمنان ما این سیاست را پیش می‌برند، اما اتاق فرمان یک جا است، از یک جا دستور می‌گیرند، از یک جا فرمان حمله‌ی به جمعیت‌های مسلمان و ملت‌های مسلمان را دریافت میکنند. اگر این سیاست در یک کشور، موفق شد، یعنی موجب سیطره‌ی بر یک کشور شد، وقتی خاطرشان از یک کشور آسوده شد، به سراغ کشور دیگر می‌روند. ملت‌ها نباید بگذارند.

✦ **بیداری و عدم غفلت ملت‌ها؛ راه مبتلانشدن به محاصره دشمن**

هر ملتی اگر می‌خواهد مبتلای به محاصره‌ی فلج‌کننده‌ی دشمن نشود، باید از اول چشم را باز کند، بیدار باشد؛ وقتی دید دشمن سراغ یک ملت دیگر رفت، خود را با آن ملت مظلوم و زیر ستم شریک بداند، به او کمک کند، با او همکاری کند تا دشمن آنجا موفق نشود. اگر دشمن آنجا موفق بشود می‌آید سراغ این نقطه‌ی بعدی. ما مسلمان‌ها سال‌های متمادی از این حقیقت غفلت کرده‌ایم، نتایجش را هم دیده‌ایم؛ امروز دیگر نباید غفلت کنیم؛ باید حواسمان جمع باشد. ما باید کمر بند دفاع را، کمر بند استقلال طلبی را، [کمر بند] عزّت را، از افغانستان تا یمن، از ایران تا غزه و لبنان، در همه‌ی کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی محکم ببندیم. این مطلب اول که امروز من خواستم عرض کنم.



✦ حق قانونی فلسطین برای دفاع از خاک خود در مقابل اشغالگران

امروز بیشتر صحبت من با برادران لبنانی و فلسطینی است که دچار مشکلند که در خطبه‌ی بعد اینها را به آنها عرض خواهم کرد. مطلب دوم این است که احکام دفاعی اسلام تکلیف ما را معلوم کرده است؛ هم احکام دفاعی اسلام، هم قانون اساسی خودمان، هم قوانین بین‌المللی؛ همین قوانینی که ما در نگاشتن آن قوانین تأثیری نداشتیم، اما حتی در همان قوانین هم این مطلبی که عرض میکنم جزو مسلمات است و آن، این است که هر ملّتی حق دارد از خاک خود، از خانه‌ی خود، از کشور خود، از منافع خود در مقابل متجاوز دفاع کند؛ معنای این حرف این است. معنای این حرف این است که ملّت فلسطین حق دارد در مقابل دشمنی که خاک او را تصرف کرده، خانه‌ی او را اشغال کرده، مزرعه‌ی او را ویران کرده، زندگی او را تباه کرده بایستد؛ ملّت فلسطین حق دارد. این یک منطق مستحکمی است که امروز قوانین جهانی هم آن را تأیید میکند.

✦ مشروع و قانونی بودن حمایت حزب الله لبنان از غزه

فلسطین مال کیست؟ ملّت فلسطین چه کسانی هستند؟ این اشغالگران از کجا آمده‌اند؟ ملّت فلسطین حق دارد در مقابل آنها بایستد؛ هیچ محکمه‌ای، هیچ مرکزی، هیچ سازمان بین‌المللی‌ای حق ندارد به ملّت فلسطین اعتراض کند که چرا در مقابل رژیم غاصب صهیونیستی سینه سپر کردید؛ حق ندارند. آن کسانی هم که به ملّت فلسطین کمک میکنند، وظیفه‌ی خودشان را انجام میدهند؛ هیچ کسی بر اساس هیچ قانون بین‌المللی حق ندارد به ملّت لبنان، به حزب الله لبنان اعتراض کند که چرا شما از غزه، از قیام مردم فلسطین حمایت کردید؛ وظیفه‌ی آنها است، باید میکردند. این دیگر، هم حکم اسلامی است، هم قانون عقلی است، هم منطق بین‌المللی و جهانی است. فلسطینی‌ها از خاک خودشان دارند دفاع میکنند؛ دفاع آنها مشروع است، کمک به آنها هم مشروع است.

❖ عدم تعلل و شتاب‌زدگی جمهوری اسلامی در برابر جنایتهای رژیم صهیونی

بنابراین همه‌ی این حملات و طوفان الاقصی که در سال گذشته تقریباً همین ایام انجام گرفت،^(۳) یک حرکت درست منطقی قانونی بین‌المللی بود و حق با فلسطینی‌ها بود. دفاع جانانه‌ی لبنانی‌ها از مردم فلسطین هم مشمول همین حکم است؛ آن هم قانونی، معقول، منطقی و مشروع است و کسی حق ندارد از آنها انتقاد کند که چرا شما در این دفاع وارد شدید. کار درخشان نیروهای مسلح ما در دوسه شب قبل هم یک کار کاملاً قانونی و مشروع بود.^(۴) کاری که نیروهای مسلح ما کردند، کمترین مجازات برای رژیم غاصب صهیونی در برابر جنایتهای حیرت‌آور آن رژیم بود؛ رژیم خون‌آشام، رژیم گرگ‌صفت و سگ‌ها را آمریکا در منطقه. جمهوری اسلامی هر وظیفه‌ای در این زمینه داشته باشد، با قدرت و صلابت و قاطعیت انجام خواهد داد. ما در انجام این وظیفه، نه تعلل میکنیم، نه شتاب‌زده میشویم؛ تعلل نمیکنیم، کوتاهی نمیکنیم، دچار شتاب‌زدگی هم نمیشویم. آنچه منطقی است، آنچه معقول است، آنچه درست است، به نظر تصمیم‌گیران نظامی و سیاسی، در وقت خود، در هنگام خود انجام میگیرد؛ کما اینکه انجام گرفت و در آینده هم اگر لازم شد، باز انجام خواهد گرفت.

در خطبه‌ی دوّم، به مسائل لبنان پرداخته خواهد شد و مخاطب آن خطبه برادران عرب ما در کشورهای منطقه هستند؛ لذا خطبه را به عربی ایراد خواهیم کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ❖ وَالْعَصْرِ ❖ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ❖ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ.^(۵)

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

خطبه دوم (عربی):

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين احمده واستعينه واستغفره واتوكل عليه
واصلّي واسلم على حبيبه الرسول الاعظم سيّدنا محمّد المصطفى وآله
الطاهرين سيّما عليّ امير المؤمنين وحبيبته الزّهراء المرضيّة والحسن
والحسين سيّدَي شباب اهل الجنّة وعليّ بن الحسين زين العابدين و
محمّد بن عليّ الباقر و جعفر بن محمّد الصادق و موسى بن جعفر الكاظم
و عليّ بن موسى الرضا و محمّد بن عليّ الجواد و عليّ بن محمّد الهادي
والحسن بن عليّ الزّكيّ العسكريّ والحجّة بن الحسن القائم المهديّ
صلوات الله عليهم اجمعين واسلم على صحبه المنتجبين و من تبعهم
باحسان الى يوم الدين وعلى حماة المستضعفين و ولاة المؤمنين.

ارتأيتُ أن يكونَ تَكريمُ أخى وعزيزى ومَبْعَثُ افْتِخارى والشّخصيّةُ
المحبوبةُ فى العالمِ الإسلامى، واللسانُ البليغُ لشعوبِ المنطقة، ودُرّةُ
لُبَنانِ السّاطِعَة، سَمَاحَةُ السيّد حَسَن نصرالله، رضوان الله تعالى عليه،
فى صلاةِ جُمعة طَهران، وسأَتطرّقُ أيضًا لبعضِ النّقاط.

هذا الخطابُ موجّهٌ للأُمّةِ الإسلاميّةِ جَمعاء، إلّا أنّه موجّهٌ بشكلٍ
خاصٍّ إلى الشّعَبَيْنِ العَزيزَيْنِ اللُّبنانيّ والفلسطينيّ. نحنُ جميعًا
مصابونَ ومَكلومونَ بِشهادةِ السيّد العزيز، إنّهُ لِفقدانٌ كبير، ولقد أفعَنا
بكلِّ معنى الكلمة. غير أنّ عزاءنا لا يَعنَى الاكْتئابُ واليأسُ والاضطراب،
بل هو من سِنخ عزائنا على سيّد الشهداءِ الحسين بن عليّ عليه السلام؛
يَبعثُ الحياة، ويُلهمُ الدّروس، ويوقدُ العزائم، ويضخُّ الآمال.

لقد غادرنا السيّد حسن نصرالله بجسده، لكنّ شخصيّةهُ الحقيقيّة؛
رُوحَهُ، ونَهجَهُ، وصوتَهُ الصّادحَ، ستبقى حاضرةً فينا أبدًا. لقد كان الرأيةُ
الرفيعةُ للمقاومةِ فى وجه الشياطين الجائرين والناهبين، وكان اللسانُ
البليغُ للمظلومين والمدافعُ الشّجاعُ عنهم، كما كان للمناضلين على

طريقِ الحقِّ سندًا ومشجّعًا، لقد تخطّى نطاقُ شعبيّته وتأثيره حدودَ لبنان وإيرانَ والبلدانِ العربيّة، وستُعزّزُ شهادته الآن مدى هذا التأثير.

إنّ أهمّ رسائله قولاً وعملاً، في حياته الدنيويّة، لكم يا شعبَ لبنان الوفيّ، كانت ألاّ يساوركم يأسٌ واضطرابٌ بغيابِ شخصيّاتٍ بارزةٍ مثل الإمام موسى الصدر والسيد عباس الموسوي، وألاّ يصيبكم تردّدٌ في مسيرة نضالكم. ضاعفوا مساعيكم وقُدّراتكم، وعزّزوا تلاحمكم، وقاوموا العدوَّ المُعتدّي وأفشِلوه بترسيخِ إيمانكم وتوكلكم.

أعزّائي، يا شعبَ لبنان الوفيّ، يا شبابَ حزبِ الله وحركة أمل المُفعمَ بالحماسة! يا أبنائي، هذا أيضًا طلبُ سيّدنا الشهيد اليوم من شعبه وجبهة المقاومة والأمة الإسلاميّة جمعاء.

العدوّ الخبيثُ الجبانُ، إذ عجزَ عن توجيه ضربة مؤثّرة للبنية المتماسكة لحزب الله أو حماس أو الجهاد الإسلامي وغيرها من الحركات المجاهدة في سبيل الله، عمَدَ إلى التظاهر بالنّصر من خلال الاغتيالات والتدمير والقصف وقتل المدنيين وحرَق قلوبهم.

لكن ما هي النتيجة؟ ما نجمَ عن هذا السلوك هو تراكمُ الغضب وتصاعدُ دوافع المقاومة، وظهورُ المزيد من الرجال والقادة والمضحيين، وتضييقُ الخناق على الذئب الدّموي، وبالتالي، إزالةُ الكيان الملتخّ بالعار من ساحة الوجود، إن شاء الله.

أيّها الأعزّة، القلوبُ المفجوعةُ تستلهمُ السكينة بذكر الله وطلب النّصرة منه. الدّمارُ سيُعوّض، وصبركم وثباتكم سيُثمر عزةً وكرامةً.

لقد كان السيّد العزيز طوال ثلاثين عامًا على رأسِ كفاح شاقّ، وارتقى بحزب الله خطوةً بخطوة: «كَزَرَ عَ أَخْرَجَ شَطَاهُ فَأَزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سَوْقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيْظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا».^(٦)

بتدبيرِ السيّد نما حزب الله مرحلةً بمرحلة، بصبرٍ وبنحو منطقٍ وطبيعي، وأبرز آثاره الوجوديّة أمام أعدائه في المراحل المختلفة عبرَ حرِّ العدوِّ الصّهيوني «تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَا ذَنِّ رَبِّهَا».^(۷)

حزب الله هو حقّاً شجرة طيّبة، حزب الله وقائده الشهيد البطل هو عصارة فضائل لبنان في تاريخه وهويّته.

نحن الإيرانيون قد عرفنا منذُ زمنٍ بعيدٍ لبنانَ وفضائله، فقد أغدقُ علماءُ لبنانيّونَ من فيض علمهم على إيران في العهدين السّريداري والصّفويّ خلال القرن الثامن والعاشر والحادي عشر للهجرة، ومنهم محمّد بن مكيّ العامليّ الشهيد، وعليّ بن عبد العال الكركي، وزين الدين العامليّ الشهيد، والحسين بن عبد الصّمد العاملي، وابنه بهاء الدّين المَعروفُ بالشيخ البهائيّ وغيرهم من رجال الدين والعلم.

أداء الدّين للبنان الجريح المُدمى هو واجبنا وواجب المسلمين جميعاً. حزب الله والسيّد الشهيد بدفاعهم عن غزّة، وجهادهم من أجل المسجد الأقصى، وإنزالهم الضربة بالكيان الغاصب والظالم، قد خطوا خطوةً في سبيل خدمة مصيريّة للمنطقة بأكملها، والعالم الإسلاميّ كلّه. إنّ تركيز أمريكا وأذرعها على حفظ أمن الكيان الغاصب ليس سوى غطاءٍ لسياساتهم المُتبدّدة القاضية بتحويل الكيان إلى أداة للاستحواذ على جميع الموارد الطبيعيّة لهذه المنطقة واستثمارها في الصّراعات العالميّة الكبرى. هدفٌ هوّلاًء تحويلُ هذا الكيان إلى بوابة لتصدير الطاقة من المنطقة إلى بلاد الغرب، واستيراد البضائع والتقانة من الغرب إلى المنطقة. وهذا يعني ضمان وجود المغتصب وجعل المنطقة بأجمعها تابعةً له.

والسلوكُ السّفاحُ والوقحُ لهذا الكيان تجاه المناضلين ناجمٌ عن الطّمع بتحقيق هذا الهدف.

هذا الواقعُ يبيّنُ لنا أن كلّ ضربةٍ يُنزِلُها أيّ شخصٍ وأيّ مجموعةٍ بهذا الكيان، إنّما هي خدمةٌ للمنطقةِ بأكملها، بل لكلِّ الإنسانية.

لا ريبَ في أنّ أحلام الصهاينة والأمريكيين هذه إنّما هي محضُ أوهامٍ مستحيلة. فالكيانُ ليس إلّا تلكَ الشجرةَ الخبيثةَ التي «أُجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ»، وقد صدّقَ قوله تعالى «مَالَهَا مِنْ قَرَارٍ».^(٨)

هذا الكيانُ الخبيثُ، بلا جذور، ومزيفٌ ومتزعزعٌ، وقد أبقى نفسه قائماً بصعوبةٍ عبرَ ضخِّ أمريكا الدعم له، ولن يُكتبَ له البقاءُ بإذن الله تعالى. والدليلُ الواضحُ على ذلك أنّه أنفق مليارات الدولارات في غزّة ولبنان منذُ عام، وأُغِدِّقَتْ عليه المساعداتُ المختلفةُ من أمريكا وعددٍ من الدولِ الغربية، وقد مُنِيَ بالهزيمة في مواجهةٍ بضعة آلاف من المكافحين والمجاهدين في سبيل الله المحاصرين الممنوعين من أيّ مساعدةٍ خارجيّة، وكان إنجازُهُم الوحيدُ قصفَ البيوت والمدارس والمستشفيات ومراكز تجمع المدنيين.

واليوم فإنّ العِصَابَةَ الصهيونيّة المجرمة أنفَسَهُمْ قد توصّلوا أيضًا إلى هذه النتيجة وهي أنّهم لن يحققوا النصرَ أبدًا على حماس وحزب الله.

يا أهلنا المقاومين في لبنان وفلسطين! أيها المناضلون الشجعان! أيها الشعبُ الصبورُ الوفي! هذه الشّهادات، وهذه الدّماءُ المَسْفُوكَة، لا تُزعزعُ عَزِيمَتَكُمْ، بل تَزِيدُكُمْ ثَبَاتًا. في إيرانِ الإسلاميّة، خلالَ ثلاثة أشهرٍ من صيف ١٩٨١، جرى اغتيالُ العشراتِ من شخصيّاتنا البارزة والمميّزة، ومنهم شخصيّةٌ عَظِيمَةٌ مثلُ السيّد محمد بهشتي، ورئيسُ جُمهوريّةٍ مثلُ رجائي، ورئيسُ وزراءٍ مثلُ باهنر، واغتيالُ علماءٍ مثلُ آية الله مدني وقدوسی وهاشمي نجاد وأمثالهم، وكان كلُّ واحدٍ منهم من أعمدة الثورة على المُستوى المحلي أو الوطني، ولم يَكُنْ فقدانُهُم هيئًا، لكنّ مسيرةَ الثّورة لم تتوقف ولم تتراجع، بل تسارعت.

واليوم، فإنّ المقاومة في المنطقة لن تتراجع بشهادة رجالها، والتّصريح سيكون حليف المقاومة. المقاومة في غزّة حيّرت العالم، وأعزّت الإسلام. لقد تلقى الإسلام في غزّة بصدرة كلّ أنواع الخُبث والشرّ. وما من إنسانٍ لا يُحيي هذا الصّمود، ولا يلعن عدوّها السّفاح والدمويّ.

لقد أوصل طوفان الأقصى وعام من المقاومة في غزّة ولبنان، هذا الكيان الغاصب إلى أن يكون هاجسه الأهمّ حفظ وجوده، وهو الهاجس نفسه الذي كان يُساور هذا الكيان في السنوات الأولى لولادته المشؤومة، وهذا يعني أنّ جهاد رجال فلسطين ولبنان قد أعاد الكيان الصهيونيّ سبعين سنة إلى الوراء.

العامل الأساسي للحروب وانعدام الأمن والتخلّف في هذه المنطقة هو وجود الكيان الصهيونيّ وحضور الدّول التي تدّعي أنها تسعى إلى إحلال الأمن والسلام في المنطقة. فالمشكلة الأساس في المنطقة هي تدخّل الأجانب فيها. دول المنطقة قادرة على إحلال الأمن والسلام فيها. وتحقيق هذا الهدف العظيم والمنقذ للشّعوب يستلزم بذل جهود شعوبها وحكوماتها.

وإنّ الله مع السّائرين على هذا الدّرب، «وإنّ الله على نصيرهم لقدير».^(٩)
سلام الله على القائد الشهيد نصر الله، وعلى البطل الشهيد هنيّة،
وعلى القائد المُفتخر الفريق قاسم سلیماني.^(١٠)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ☀ إذا جاء نصرُ الله و الفَتْحُ ☀ وَرَأَيْتَ النَّاسَ
يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ☀ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا.^(١١)



۱- خطبه‌های این نماز در مصلای تهران ایراد گردید.

۲- سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۱

۳- گروه‌های مقاومت فلسطینی در روز شنبه پانزدهم مهرماه ۱۴۰۲ عملیات گسترده‌ای را با عنوان «طوفان الاقصی» آغاز کردند که در ساعات ابتدایی آن، تعداد زیادی از صهیونیست‌ها کشته و زخمی و اسیر شدند.

۴- اشاره به عملیات وعده‌ی صادق ۲ در دهم مهرماه که در پاسخ به شهادت شهید اسماعیل هنیّه و سید حسن نصرالله و شهید سرلشکر عباس نیلفروشان و نیز حملات وحشیانه به غزه و منطقه‌ی ضاحیه‌ی بیروت، باده‌ها موشک، اهداف امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی مورد حمله قرار گرفت.

۵- سوره‌ی عصر؛ «به نام خداوند رحمتگر مهربان. سوگند به عصر [غلبه‌ی حق بر باطل] که واقعاً انسان دستخوش زیان است، مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و هم‌دیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند.»

۶- سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹

۷- سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۵

۸- سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۶

۹- سوره‌ی حج، بخشی از آیه‌ی ۳۹

۱۰- لازم دانستم تکریم از برادرم و عزیزم و مایه‌ی فخرم، چهره‌ی محبوب دنیای اسلام، و زبان گویای ملت‌های منطقه، گوهر درخشان لبنان، جناب سید حسن نصرالله (رضوان الله علیه) در نماز جمعه‌ی تهران باشد، و تذکراتی هم به عرض همه برسانم.

مخاطب این خطبه همه‌ی دنیای اسلام است، ولی ملت عزیز لبنان و فلسطین مخاطب ویژه است. ما همه در شهادت سید عزیز، مصیبت زده و عزاداریم. این، فقدان بزرگی است و جدّاً ما را عزادار کرد. البتّه عزاداری ما به معنی افسردگی و پریشانی و نومیدی نیست؛ از جنس عزاداری برای سیدالشهدا حسین بن علی (علیهما السّلام) است؛ زنده‌کننده، و درس‌دهنده، و انگیزه‌بخش، و امیدآفرین است.

سید حسن نصرالله جسمش از میان مارفته ولی شخصیت حقیقی او، روح او، راه او، و صدای رسای او همچنان در میان ما هست و خواهد بود. او پرچم بلند مقاومت در برابر اهریمنان ستمگر و غارتگر بود؛ زبان گویا و مدافع شجاع مظلومان بود؛ مایه‌ی دلگرمی و جرئت مبارزان و حق‌طلبان بود. گستره‌ی محبوبیت و تأثیرگذاری او از لبنان و ایران و کشورهای عربی فراتر رفته بود؛ و اکنون شهادت او این اثرگذاری را افزایش خواهد داد.

مهم‌ترین پیام‌گفتاری و عملی او در حیات دنیایی‌اش برای شما ملت وفادار لبنان این بود که باز دست دادن شخصیت‌های برجسته‌ای چون امام موسی صدر و سید عباس موسوی و دیگران، ناامید و پریشان نشوید؛ در مسیر مبارزه تردید نکنید؛ بر تلاش و توان خود بیفزایید؛ همبستگی خود را دوچندان کنید؛ در برابر دشمن متجاوز و متعزّض با تقویت ایمان و توکل مقاومت کنید و او را ناکام بگذارید.

عزیزان من! ملت باوفای لبنان! جوانان پُرشور حزب الله و امل! فرزندان من! امروز هم خواسته‌ی سید شهید ما از ملتش، و از جبهه‌ی مقاومت، و از همه‌ی امت اسلامی همین است.

دشمن پلید و زیون چون نمیتواند به تشکیلات مستحکم حزب الله یا حماس یا جهاد اسلامی و دیگر سازمانهای مجاهد فی سبیل الله صدمه‌ی جدّی بزند، ترور و تخریب و بمباران و کشتار غیر نظامیان و داغدار کردن غیر مسلّحین را نشانه‌ی پیروزی خود قلمداد میکند. نتیجه چیست؟ محصول این رفتار، تراکم خشم و افزایش انگیزه‌ی مردم و سربر آوردن مردان و سرداران و رهبران و از جان‌گذشتگان بیشتر، و تنگ‌تر شدن حلقه‌ی محاصره‌ی گرگ خون‌آشام، و سرانجام، حذف وجود ننگین او از صحنه‌ی وجود است.

عزیزان! دل‌های داغدار با یاد خدا و طلب نصرت از او آرامش می‌یابد؛ ویرانی‌ها ترمیم میشود، و صبر و استقامت شما عزّت و کرامت به بار می‌آورد.

سید عزیز، سی سال در رأس مبارزه‌ای دشوار قرار داشت؛ حزب الله را قدم به قدم بالا آورد؛ «چون کشته‌ای که جوانه‌ی خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.»



باتدبیر سیّد، حزب الله مرحله به مرحله و صبورانه و منطقی و طبیعی رشد کرد و آثار وجودی خود را در مقاطع گوناگون در عقب نشاندن رژیم صهیونی، به رخ دشمنانش کشید: «میوه اش را هر دم به اذن پروردگارش میدهد».

حزب الله حقّاً «شجره‌ی طیّبه» است. حزب الله ورهبر قهرمان و شهید آن، عصاره‌ی فضائل تاریخی و هویتی لبنانند.

ما ایرانی‌ها از زمانی دور با لبنان و امتیازهایش آشنا ایم؛ کسانی چون شهید محمد بن مکی عاملی، و علی بن عبدالعال کرکی، و شهید زین الدّین عاملی، و حسین بن عبدالضّمد عاملی، و پسرش محمد بهاء الدّین، معروف به شیخ بهائی و غیر آنها از مردان علم و دین، ایران را در دولتهای سربداران و صفوی در قرنهای هشتم و دهم و یازدهم هجری از برکات دانش سرشار خود بهره‌مند کرده‌اند.

اداء دین به لبنان مجروح و خونین، وظیفه‌ی ما و وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانها است. حزب الله و سیّد شهید با دفاع از غزه و جهاد برای مسجد الاقصی و ضربه به رژیم غاصب و ظالم، در راه خدمتی حیاتی به همه‌ی منطقه و همه‌ی دنیای اسلام گام برداشتند. تکیه‌ی آمریکا و همدستانش بر حفظ امنیّت رژیم غاصب، پوششی برای سیاست مهلک تبدیل رژیم به ابزار آنان برای در اختیار گرفتن همه‌ی منابع این منطقه و استفاده از آن در درگیری‌های بزرگ جهانی است. سیاست آنان، تبدیل رژیم به دروازه‌ی صادرات انرژی از منطقه به جهان غرب و واردات کالا و فتاوری از غرب به منطقه است و این یعنی تضمین موجودیّت رژیم غاصب و وابستگی کلّ منطقه به آن. رفتار سفاکانه و بی‌محابای رژیم با مبارزان، ناشی از طمع به چنین وضعی است. این واقعیت به ما تفهیم میکند که هر ضربه به رژیم از سوی هر کس و هر مجموعه، خدمت به کلّ منطقه و بلکه به کلّ انسانیت است.

یقیناً این رؤیای صهیونی و آمریکایی، خیالی باطل و ناشدنی است. رژیم، همان شجره‌ی خبیثه‌ی کنده شده از روی زمین است که به گفته‌ی صدق الهی قراری ندارد. این رژیم خبیث، بی‌ریشه و مصنوعی و ناپایدار است و صرفاً با تزریق حمایت‌های آمریکا خود را بزحمت بر سر پا نگه داشته است؛ و این هم دیری نخواهد پایید؛ باذن الله.

دلیل واضح این ادّعا آن است که اکنون یک سال است که دشمن با هزینه کرد چندین میلیارد دلار در غزه و لبنان و با کمک همه‌ی جانبه‌ی آمریکا و چند دولت غربی دیگر در رویارویی با چند هزار مرد مبارز و مجاهد فی سبیل الله که محصور و ممنوع از هر گونه کمک از خارجند، شکست خورده و تنها هنرشان بمباران خانه‌ها و مدرسه‌ها و بیمارستان‌ها و مراکز جمعیتی غیر مسلّحین بوده است! امروز بتدریج خود بانند جنایتکار صهیونیست هم به این نتیجه رسیده‌اند که بر حماس و حزب الله هرگز پیروز نخواهند شد.

مردم مقاوم لبنان و فلسطین! مبارزان شجاع و مردم صبور و قدرشناس! این شهادتها، این خونهای بر زمین ریخته، نهضت شما را سست نمیکند، [بلکه] استوارتر میکند. در ایران اسلامی در حدود سه ماه تابستان یک سال (سال ۱۳۶۰ هجری شمسی) چند ده شخصیت برجسته و ممتاز ما ترور شدند که یکی از آنها شخصیت بزرگی مثل سیّد محمد بهشتی بود، یکی رئیس جمهوری مثل رجائی و نخست وزیر مثل باهنر بود، علمائی از قبیل آیت الله مدنی و قدّوسی و هاشمی نژاد و امثال اینها بودند. اینها هر کدام در سطح ملّی یا محلّی از ستونهای انقلاب به شمار می‌آمدند و فقدانشان چیز آسانی نبود؛ ولی انقلاب متوقّف نشد، عقب نشینی نکرد، بلکه سرعت گرفت.

امروز هم مقاومت در منطقه با این شهادتها عقب نخواهد نشست؛ مقاومت پیروز خواهد شد. مقاومت در غزه چشم دنیا را خیره کرد؛ به اسلام عزّت بخشید. در غزه، اسلام در برابر همه‌ی شرارت و پلیدی سینه سپر کرده است. هیچ انسان آزاده‌ای نیست که بر این ایستادگی درود، و بردشمن سفاک و خون آشامش لعنت نفرستد.

طوفان اقصی و مقاومت یک ساله‌ی غزه و لبنان، رژیم غاصب را به جایی رساندند که مهم‌ترین دغدغه‌اش، حفظ موجودیّت خود است؛ یعنی همان دغدغه‌ای که این رژیم در سالهای اوّل ولادت نحسش داشت. این بدین معنی است که مجاهدت مردان مبارز فلسطین و لبنان توانسته است رژیم صهیونی را هفتاد سال به عقب برگرداند.

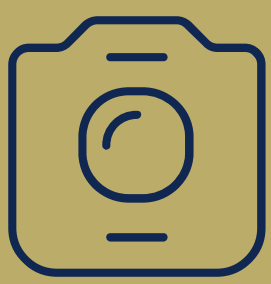
عامل عمده‌ی جنگ و ناامنی و عقب ماندگی در این منطقه، «وجود رژیم صهیونیستی» و حضور دولتهایی است که ادّعا میکنند به دنبال فضای صلح و آرامش در منطقه‌اند. مشکل عمده‌ی منطقه، «دخالت بیگانگان» است. دولتهای این منطقه قادرند صلح و سلامت را در آن مستقر کنند. برای این هدف بزرگ و نجات بخش، تلاش و مبارزه‌ی «ملت‌ها» و «دولتها» لازم است. در این راه، خدا همراه رهروان است؛ و البتّه خدا بر پیروزی آنان سخت توانا است.

سلام خدا بر رهبر شهید نصر الله، و بر قهرمان شهید هنیّه، و بر فرمانده پُرافتخار سپهبد قاسم سلیمانی.

۱۱- سوره‌ی نصر؛ «به نام خداوند رحمتگر مهربان. چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد، و ببینی که مردم دسته‌دسته در دین خدا درآیند، پس به ستایش پروردگار ت نیايش گريش و از او آمرزش خواه، که وی همواره توبه پذیر است.»



خطبه‌های نماز جمعه تهران | ۱۴۰۳/۷/۱۳



گزارش تصویری



صوت



فیلم کامل



متن بیانات